

# ترتیب کار شاگرد مدرسه

## نمایش آقای فوادی

در مرحله تحصیل هر اندازه کم کاری و سستی در عدم پیشرفت شاگرد موثر است بهمان اندازه بی نظمی و عجله و افراط در کار مانع ترقی او می باشد. افراط و تفریط در کایه موارد منفی و مضرات بخصوص در مورد تحصیل .

در عمل می بینیم بعضی از شاگردان در نتیجه عدم تشویق یا بندی وضع تدریس و موانع دیگر طوری بدرس بی علاقه هستند که نه تنها در خارج از مدرسه هیچ کار نمی کنند بلکه در کلاس هم ب فکر درس نیستند .

در مقابل دیده میشود که شاگرد باهوش و باعلاقه بتحصیل بجدی در کار زیاده روی میکنند که ساعات تفریح و حتی خورد و خواب خویش را فدای درس میسازد .

در مورد اول باید بتدابیر عملی تعلیم و تربیت متوسل شد که خود مستلزم بحثی جداگانه است و در مورد دوم باید ساعات کار و استراحت و تفریح شاگرد را از هم جدا کرد و او را طوری عادت داد که در وقت تحصیل بکار پرداخته و در مورد استراحت کار نکند و خسته نشود و این در صورتی ممکن است که مدرسه با اولیای اطفال رابطه داشته آنهارا در این قسمت راهنمایی کند. در این باب گرچه سخن بسیار است و این مقاله گنجایش آن را ندارد لیکن برای نمونه بذکر چند مطلب از آن میپردازیم .

از نظر کار و تحصیل بطور کلی میتوانیم شاگردان را سه دسته تقسیم کنیم .

دسته اول آنهایی هستند که بر حسب فطرت باهوش و مستعد بوده و به علاوه شوق تحصیل هم دارند. این قبیل شاگردان طبعاً در نتیجه کار و تجربه شخصی برای حاضر کردن درس تقسیماتی از ساعات برای خود پیدا کرده بموجب آن عمل میکنند. در مورد اینها باید اصول استفاده از وقت را قبلاً یادآوری کرد تا اصولی را که بعد از تحمل زحمت و هزات و تحایل قوی بدست میآورند بیش از آن در دسترس خود داشته باشند .

دسته دوم آنهایی هستند که هوش و استعداد دارند لیکن بواسطه موانعی چند (نهمین درس - عجله - تکالیف زیاد - مساعد نبودن وضعیت خانواده و غیره ) بدرس بیعلاقه هستند. دانستن ترتیب کار برای اینها بسیار موثر و مفید است زیرا چون آنرا بمورد عمل گذارده از نتایج آن بهره مند شدند رفته رفته ترس آنها از کار رو بکمی گذاشته بامیل و شوق بتحصیل میپردازند .

دسته سوم آنهایی هستند که هوش و استعدادشان محدود است لیکن شوق تحصیل را دارند اینها بسیار زحمت میکشند و کمتر نتیجه میگیرند. دانستن ترتیب و تقسیم ساعات کار برای این دسته نیز بسیار موثر و مفید است زیرا در اینصورت قسمتی از ساعات را که بواسطه عدم مناسبت بیهوده تلف میکنند صرف تفریح و استراحت کرده ساعات مساعد و مناسب را مورد استفاده قرار میدهند .

بای شاگردانی نیز هستند که هوش و استعدادشان ضعیف و درعین حال شوق بتحصیل هم ندارند لیکن عده آنها محدود است و در بین صد نفر بندرت یکی دو نفر از قبیل آنها دیده می شود. بدیهی است که تحصیل برای آنها غیر از اتلاف وقت ثمری ندارد و باید آنها را در رشته های دیگر کار تربیت کرد. تشخیص این قبیل شاگردان باید با احتیاط بعمل آید زیرا با یک نظر سطحی نباید کسی را « بی استعداد - کودن » خواند و مواهب ذاتی او را که ما نتوانسته ایم تشخیص دهیم نبوده و هیچ فرض کرد.

بنظر نگارنده شاگرد دبستان در چهار سال اول تحصیل باید کلیه تکالیف را در خود مدرسه تحت نظر و مراقبت آموزگار انجام دهد. باید ساعت درس کلاس را طوری تنظیم کرد که بتوان هم بشاگرد درس داد هم پرسید و هم وقت برای حاضر کردن باو داد و اگر برای منزل تکلیف تعیین کنند باید آن تکلیف جنبة تمرین و ممارست داشته باشد مثل مشق درشت و رونویسی و نقاشی و امثال آن. و اما در مورد کلاس پنجم و ششم دبستان باید بر گرامر طوری تنظیم شود که شاگرد در منزل از یک و نیم تا دو ساعت بیشتر کار نکند، و اگر بیشتر از این وقت شاگرد را برای تحصیل اشغال کنند بدیهی است علاوه بر آنکه خسته می شود و قوای جسمانی او بتحلیل می رود و از رشته های دیگر زندگی محروم می گردد روح نشاط و ابتکار و انکای بنفس از او سلب می شود و چون با این ترتیب پیش رفته وارد مرحله زندگانی اجتماعی شود یک فرد بیچاره کم ظرف و کم جرأتی بیش نخواهد بود و دستش بدامان رشادت و تهور و بلند پروازی نخواهد رسید.

شاگرد دوره اول دبیرستان نیز نباید بیش از سه ساعت در منزل کار بکند و شاگرد دوره دوم را در انتخاب عده این ساعات ممکن است مختار گذاشت زیرا میتوان بعقل و دوراندیشی او با اندازه اعتماد کرد. لیکن درعین حال نباید از یاد آوری او در ترتیب کار صرف نظر کرد.

استفاده از موقع تفریح بین ساعات درس برای مطالعه و حاضر کردن تکالیف بهیچوجه ثمری ندارد، در فاصله ۱۰-۱۵ دقیقه تفریح شاگرد باید هوای آزاد استنشاق کند و احتیاجات خارج از کلاس را مرتفع سازد.

شاگرد بیکه موقع تفریح را صرف حاضر کردن درس میکند از دو حال خارج نیست یا آنکه ساعی و باهوش بوده درس را از روی دقت مطالعه میکند یا آنکه بواسطه مسامحه کاری و تنبلی بیش می خواهد حال تلافی مافات کند. در صورت اول باید یقین داشت که بواسطه عدم استفاده از تفریح فکرش خسته میشود و قوای جسمانی او بتحلیل خواهد رفت و در صورت دوم علاوه بر این ضرر چون مطالعه اوسطی و باعجله بعمل می آید چیزی بذهن او سپرده نمی شود و بعلاوه یک حالت تشویش و اضطراب در او پیدا میشود. بهر صورت اولیای مدرسه باید بطور قطع از مطالعه شاگردان در موقع تفریح جلوگیری کامل بعمل آرند ( مگر در مواردی که حالات انفرادی شاگردان را در نظر گرفته تشخیص دهند که مطالعه برای آنها خسته کننده نیست ) .

در دبستان و دبیرستان بین درسهای طرف صبح و عصر از یک و نیم تا دو ساعت وقت برای صرف نهار بشاگرد داده می شود. اولیای مدرسه و منزل نباید اجازه بدهند شاگردان این وقت استفاده کرده به حاضر کردن درس بپردازد زیرا قبل و بعد از غذا استراحت و تفریح با اندازه که ممکن باشد لازم است. اگر شاگرد لااقل پانزده دقیقه پیش از صرف نهار تفریح نکند و از خستگی فکر بیرون

نباید از روی اشتها غذا نخواهد خورد. همچنین چون بعد از صرف غذا خون بیشتر متوجه اطراف جهاز هاضمه می‌باشد و مغز از کار فکری زود خسته می‌شود و بعلاوه ممکن است سوء هاضمه و درد سر نیز عارض شود. نه تنها بعد از غذا کار فکری مضر است بلکه بازی های خسته کننده نیز همان اثر منفی را در بر دارد.

بعضی از معلمین برای روزهای تعطیل تکالیف فوق العاده بشاگرد می‌دهند در صورتی که بتجربه معلوم شده است که نتیجه از این تکالیف بدست نمی‌آید. باشاگرد در ایام تعطیل اصلاً کار نمیکند یا آنکه برای تنبیه نشدن کار را باعجله و سطحی انجام می‌دهد و اگر بدقت ملاحظه شود در هر دو صورت تقصیر متوجه شاگرد نیست.

بزرگها هم در ایام تعطیل کار اداری انجام نمیدهد مگر آنکه مجبور باشند و اگر هم کاری را در نظر بگیرند که در ایام تعطیل انجام دهند غالباً موفق نمیشوند. ایام تعطیل را تجربه بشری برای استراحت وضع کرده است. طبیعت بشری از ورم آنها را ایجاب میکند. اگر بنا بود ایام تعطیل نیز صرف کارهای روزانه و عادی شود آنوقت وجه تسمیه آنها غلط بود. ایام تعطیل برای نظافت و تفریح و ملاقات دوستان و بطور کلی برای اموری تخصیص می‌یابد که جنبه اجبار نداشته باشند. پس باید این مطلب را در نظر گرفته تکلیف فوق العاده بالمره بشاگردان نداد.

بمنظر نگارنده بجای آنکه برای ایام تعطیل تکالیف فوق العاده بشاگرد داده شود خوب است تدبیری اتخاذ کنیم که شاگرد بعد از روزهای تعطیل نیز با جدیت و شوق سابق درس بخواند زیرا در تجربه و عمل می‌بینیم شاگردان بعد از ایام تعطیل بخصوص اگر چند روز متوالی امتداد داشته باشد آن استعداد کار سابق را ندارند. بعضی هم بواسطه خستگی و بدخوراکی مریض و ماول بمدرسه می‌آیند زیرا بر گرام مرتب زندگانی آنها در روز تعطیل غالباً بهم می‌خورد.

مثلاً زیاده از حد تقلامیکنند، سرما می‌خورند بیخوابی میکشند، بدخوراکی میکنند و غیره پس اولیای اطفال باید بر گرام ایام تعطیل شاگردان را تنظیم کنند که در عوض تقویت و تفریح تعطیل بضرر بچه‌ها تمام نشود (گردش و تماشای مسابقه های ورزشی و امثال آن چون تغییر فکر و وسعت نظر و روح قهرمانی در بچه ایجاد میکند از مهمانی رفتن و بیکار نشستن در خانه بدرجات مناسب تر و بهتر است).

در تعطیل تابستان شاگرد باید استراحت کامل بکند. گرمی هوای تابستان بهیچوجه مساعد کار شاگرد نیست. بدبخت طفلی که برای تعطیل تابستان با خود «سوقاتی» و عبارات معمولی تجدیدی همراه داشته باشد. از یک طرف هر روز باید برخلاف میل کار کند و بحال رفقائی که تجدیدی ندارند غیظه خورد و از طرف دیگر همواره یک عذاب روحی که عبارت از تشویش باشد همراه او است که آیا زحماتش به نتیجه خواهد رسید یا نه و این در مورد شاگردی است که کار میکند در صورتی که قسمت بیشتر شاگردان که تجدیدی دارند در تابستان هیچ کار نمی‌کنند و وظیفه خود را با طفره انجام میدهند. پس مدرسه باید بطوری مراقب پیشرفت درس شاگرد باشد که حتی الامکان مواد تجدیدی برای تابستان بر او تحمیل نشود.

موضوع خواب شاگرد از عوامل مهم مؤثر در زندگانی تحصیلی او است و نباید بنام تحصیل از مقدار معین خواب او کاست. اگر طفل بعد کافی نخوابد استعداد و استقامت در کار از او سلب

و اغلب ناراحت می شود. حالت عصبانی پیدا میکند و اگر زیاد از حد کفایت خواب کند بستنی و کسالت دچار میشود. برای شاگرد مدرسه بیشتر از علمای ذی علاقه در تعلیم و تربیت مقدار هشت ساعت خواب را کافی میدانند. چیزی که باید مورد مراقبت اولیای طفل واقع گردد تعیین ابتدا و انتهای ساعات خواب او است. معمولاً باید طفل یک ساعت و نیم تا دو ساعت قبل از رفتن به مدرسه از خواب برخیزد تا بدون عجله بکارهایی که باید انجام دهد برسد و اگر وقت زیادی برایش باقی بماند خوب است بجا ضرر کردن قسمت های حفظی درس خود بپردازد.

بنابر آنچه تا حال گفتیم هر یک از اولیای اطفال که نظارت مستقیم در امور تحصیلی شاگرد دارند باید برنامه کار و استراحت او را تنظیم کنند و او را به معمول داشتن آن عادت بدهند. بدیهی است که داشتن رابطه با مدرسه برای هر یک از اولیاء ضروری است تا بدانند چه وظایفی را مدرسه برای شاگرد در منزل تعیین می کند.

آمدیم بر سر تقسیم ساعات شبانه روز شاگرد مدرسه. بدیهی است که به مقتضای محل و فصل سال و وسائل زندگانی و تحصیل و دوری و نزدیکی مدرسه نسبت بمنزل فرقی میکند و هر کس باید بعد از در نظر گرفتن این مسائل و چیزهای دیگر که در زندگی تحصیلی طفل دخالت دارد برای شاگرد تقسیم بندی قائل شود. اینک برای نمونه یک تقسیم بندی را برای شاگرد کلاس پنجم دبستان که در طهران ساکن باشد ذیلاً از نظر قارئین محترم میکذارند:

یک و نیم تا دو ساعت پیش از رفتن به مدرسه شاگرد از خواب برمیخیزد و با انجام کارهایی که لازم است میپردازد و با نوزده دقیقه قبل از شروع درس در مدرسه حاضر میشود.

مدت بین درسهای طرف صبح و عصر را بناهار و تفریح و استراحت میپردازد.

پس از برگشتن از مدرسه نیم تا یک ساعت باید از انجام تکالیف مدرسه خودداری کند. بعد تحت نظر یکی از افراد عاقله با معلم خصوصی (که بعقیده نگارنده بندرت احتیاج باو پیدا می شود) بکارهای تحصیلی بپردازد بطوری که در بین درسهای چند دقیقه هم تفریح کند و بدین طریق یک و نیم تا دو ساعت بمطالعه و حاضر کردن دروس مشغول باشد و نزدیک ایام امتحان بر ساعات کار او افزوده شود. اوقات آزاد را بتفریحات معمول خانوادگی از قبیل بازیهای منظم و اعمال بدی و امثال آن بپردازد. شاگرد مدرسه بنظر نگارنده تنها شبهای تعطیل را میتواند با اولیای خود بهممانی و گردش و تماشا برود و زیاد بر آن برای علاقه و پشت کار او در امر تحصیل مضرت است.

فاصله بین شام و موقع خواب نباید کم باشد تا مغز طفل در موقع خواب بهتر استراحت کند. مطالب مذکور در فوق تمام نسبی است و من باب نمونه بعرض قارئین محترم میرسد و غرض اصلی از آوردن این مطالب این بود که باید نگذاشت در جریان تحصیل شاگرد خسته و نسبت به مدرسه بیعلاقه شود بلکه باید با تنظیم ساعات کار و استراحت او تحصیل را بر او آسان کرده بکار علاقه مند ساخت.